بن‌بست وجود ندارد: فرماندهی واحد اقتصادی

در زمانه‌ی جنگ، باید قرارگاه فرماندهی ثابتی وجود داشته باشد که همه‌ی بخش‌ها اقدامات خود را با آن هماهنگ کنند، وگرنه ممکن است هر یک از جبهه‌ها به سلیقه‌ی شخصی عمل کرده و خدای نکرده حتی منجر به صدمات به جبهه‌ی خودی شوند. در جنگ اقتصادی امروز نیز، ستاد فرماندهی جنگ اقتصادی، «تیم اقتصادی» دولت است، این تیم اقتصادی دولت است که برای جلوگیری از صدمات و لطمات به اقتصاد کشور، باید «میاندار» و محور اصلی کار و تحرک باشد. چراکه «بر طبق قانون اساسی، رئیس‌جمهور از امکانات بسیار گسترده‌ای در کشور برخوردار است؛ خیلی از کارها را می‌توانند انجام بدهند؛ از این امکاناتی که در اختیار دارند استفاده کنند، ظرفیت‌های داخلی را بالفعل کنند.»(۱۳۹۶/۰۳/۱۴) مضافا اینکه رهبر انقلاب، برای تسهیل بیشتر امورات، با راه‌اندازی "شورای عالی هماهنگی اقتصادی سه قوه" بر محور شخص "رئیس جمهور"، عملا دست دولت را برای حل مشکلات اقتصادی کشور بازتر کرده‌اند





معاونت تحلیل و بررسی سیاسی

**سال دوم / شماره 85/ شنبه 6 مرداد ماه 1397**

**معاونت تحلیل و بررسی سیاسی**

**نعره شیر و زوزه کفتار‌ها**

****

تردیدی نیست که ایران در شرایط یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است. این جنگ اقتصادی با ارعاب و تهدید و جنگ روانی و تبلیغاتی پرشدت نیز همراه است تا هدف علنی براندازی و تسلیم در مقابل امریکا محقق شود. مواضع تهدیدآمیز مقامات امریکا نیز کارکردی معادل مؤثر واقع شدن فشار‌های روانی و اقتصادی است که در دو ماه اخیر با اهانت به مقامات و کشور و ملت ایران همراه شده است. پاسخ دکتر روحانی و سپس مواضع سردار سلیمانی، همچون نعره شیر، ارکان و محاسبات امریکا، رژیم صهیونیستی و شرکای نقابدار عرب را به لرزه انداخته است. همزمانی هشدار‌های سردار سلیمانی با هدف قرار گرفتن ناو جنگی سعودی همانند لحظه سخنرانی سیدحسن نصرالله و هدف قرار گرفتن ناوچه ساعر اسرائیلی در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ بود. در مقابل مواضع سردار سلیمانی، زوزه کفتار‌های داخلی و خارجی را شاهد هستیم. زوزه داخلی کسانی که اگر مزدور خارجی در بدنه نظام نباشند، ولی با یدک کشیدن عنوان‌های استاد دانشگاه و دیپلمات سابق و... جاده‌صاف‌کن دشمن و همتراز کسانی هستند که اقتصاد کشور را در چهار دوره حکومتی به امروز رسانده‌اند. زوزه کفتار‌های اسرائیلی هم پس از امید‌های فراوانی که به تروریست‌های تکفیری-وهابی بسته بودند، با دستپاچگی به فراری دادن کلاه‌سفید‌ها از سوریه و مطالبات التماسی برای باقی نماندن ایران در سوریه و یا پنهان شدن پشت سر امریکا و غرب دلالت دارد. مرحله اخراج امریکا در سطح ساختار‌های رسمی و منطقه‌ای شروع شده است و این پاسخ به جنگ امریکا و ایادی آنهاست. امروزه جنگ، اقتصادی، نرم و جنگ نفوذ است.

**ایران هشدارهای ترامپ نادیده گرفته است»**

****

فرمانده سپاه قدس ایران به ترامپ گفت: من را تهدید کن نه روحانی»، «قاسم سلیمانی روز پنجشنبه اعلام کرد که به‌عنوان یک سرباز موظفم پاسخ تهدیدهای ترامپ را بدهم. اگر او می‌خواهد از زبان تهدید استفاده کند، باید با من صحبت کند نه حسن روحانی، رئیس‌جمهور». (رویترز نوشت): «ایران هشدارهای ترامپ در توییتر را که مدعی شده بود تهران در صورت ادامه تهدید آمریکا، با تبعات بدی مواجه خواهد بود، نادیده گرفته است».

**تاكتيك فوتبالي در دنياي سياست**

****

به تصديق اكثر كارشناسان نظامي، اولين قدرت نظامي دنيا متعلق به ايالات متحده آمريكاست. اما اين اعتراف به معناي ترس يا پذيرش تسليم و قبول شكست نيست. همچنان كه پذيرش قدرت فوتبال اسپانيا به معني قبول شكست نبود اگر بخواهيم از تاكتيك فوتبالي كي‌روش در صحنه سياست درس بگيريم، بايد قبل از هرگونه تهديد و حمله چشم‌بسته، در اولين گام از زمين خود مراقبت كنيم و با يك دفاع منطقي به شكلي عمل كنيم كه حريف نتواند در زمين ما راهي به دروازه پيدا كند. اما آيا امروز در اين بازي سياسي ما اين‌گونه عمل كرده و مي‌كنيم؟ به راستي تاكتيك ما در اين ميدان چيست؟‌ درس فوتبالي براي سياست مي‌تواند اين باشد كه قبل از رسيدن به زمين و دروازه حريف، بايد موقعيت خود را تثبيت كنيم. نقاط ضعفي كه امروز دشمنان ما مي‌توانند از آن مسير به ما ضربه بزنند و حتي در نيمه اول ما را گل‌باران كنند شناسايي كرده و قبل از هر كار، آنها را برطرف كنيم وگرنه ما يك تيم ازپيش‌باخته‌ايم... نكته قابل توجه اينكه، امروز در دنيا دولتي قدرتمند است كه از حمايت همه‌جانبه مردمش برخوردار باشد. حمايت ملي از دولت، مهم‌ترين عامل بازدارندگي است كه مانع از تجاوز دولت‌هاي استعماري به آن كشور مي‌شود.آيا حال و هواي امروز ايران مي‌تواند اين پيام را به ساير كشورها مخابره كند؟وقتي مسئولان نظام خود معترف‌اند كه بسياري از مشكلات موجود در كشور ناشي از موضوع تحريم نيست و اين مشكلات به ساختار مديريتي برمي‌گردد، پس مشخص مي‌شود با توجه به حجم مشكلات سياسي، اقتصادي، فرهنگي و اجتماعي يك ناكارآمدي كامل در سيستم اداري كشور وجود دارد.نباید فراموش کرد که استعمارگران صحنه سیاسی امروز، به دلیل قدرت و فشار افکار عمومی جهان مهم‌ترین تاکتیک خود را بازی در زمین حریف انتخاب کرده و از شرایط موجود آنها برای ضربه‌زدن به خودشان بهره می‌گیرند؛ همان کاری که در لیبی، سوریه، عراق و افغانستان کردند. ما نمی‌توانیم نقش دولت‌های لیبی، سوریه و عراق را در وضعیتی که امروز دارند، نادیده بگیریم.

**آیا مشکل مدیریت ما، پیری است؟**

****

آیا مشکل مدیریت کشور پیری مدیران است؟ به نظر می‌رسد که مشکل چیز دیگری است و پیری فقط یکی از عوارض آن است... مشکل مدیریت و ساختار تصمیم‌گیری در ایران گوناگون است. ولی مهم‌ترین آنها، دایره بسته مدیران است. دایره‌ای که عموما محدود به مجموعه‌ای از افراد است که ابراز ارادت می‌کنند یا در گذشته چنین کرده‌اند. مشکل نگاه تیول‌داری به پست و مقام است. تا هنگامی که پست و مقام‌ دارند ولی هیچ ضرورتی به پاسخ‌گویی نبوده و شفافیت، شعاری بیش نباشد، از این بهتر نخواهد شد. در این ساختار مدیریتی حتی نیروهای کارآمد نیز به مرور زمان ضعیف می‌شوند... در این ساختار کمتر کسی جرئت می‌کند که خلاف منویات رئیس سخن بگوید... ولی چرا این مدیران پیر شدند. چون پست را به تیول خود درآوردند، در این ساختار فقط مرگ است که فرد را از میز جدا می‌کند...باید لیاقت‌سالاری جایگزین ارادت‌سالاری شود. مدیر جوانی که استقلال نداشته باشد، مسئولیت‌ناپذیر باشد، بله‌قربان‌گو باشد، صلاحیت حرفه‌ای نداشته باشد، از مدیر پیر فعلی اگر بدتر نباشد، بهتر نیست.

**راهبرد فرامنطقه‌ای**

****

حالا که ترامپ، تاجر بی پروا سرگرم مواجهه با رقبای اقتصادی و سیاسی خویش است و ایران و چین و اروپا را همزمان مورد هجمه قرار داده، آیا می‌توان یادآوری کرد سال‌هایی نه چندان دور و شخصیت‌هایی نه چندان ناشناخته را که با همه وجود تلاش می‌کردند گزینه روی میز ایران را به‌زعم خویش در حد گفتار و گفت‌وگو و مصالحه محدود کنند. آن‌هایی که حتی به مقدمات مذاکره نیز توجه نداشتند و چنان سرمست و ناآشنا به روال‌های حاکم بر جهان بودند که در گوش‌شان فرو نمی‌رفت ‌اگر روی زمین توانمندی‌ نداشته باشی، در هیچ مذاکره‌ای پیروز نخواهی شد. کجایند استراتژیست‌های قلم به دستی که هر روز 10 یا 15 فرمان سیاسی برای کشور صادر می‌کردند که خودتان را (منظورشان ایدئولوژی و توان نظامی و قدرت منطقه‌ای بود) اصلاح کنید تا بعد جامعه جهانی شما را بپذیرند... همین جامعه جهانی که حیوانی‌ترین و دیوانه‌کننده‌ترین قواعد بر آن حکم‌فرماست. جالب این‌که هنوز هم هستند کسانی که می‌گویند چرا به رییس‌جمهوری بی‌ادب و بی‌منطق آمریکا، پاسخ می‌دهید، بروید به اوباما زنگ بزنید تا دل جمهوری‌خواهان بسوزد! خدارا‌شکر که مقتضیات کلان کشور هیچ‌گاه در اختیار این تفکر نیفتاده و باید تأسف خورد به لحظات مفصلی که آن‌ها در محیط اجرایی حضور داشته‌اند و هیچ خدمتی به گزینه‌های مهم روی میز ایران نکرده‌اند.

**ورق جنگ یمن برگشت**

****

سعودی ها همواره از یک ضعف ژئوپولیتیکی بسیار حساس رنج می برند و آن راه نداشتن به آب های آزاد است. مشکلی که با حمله عربستان به عمان در سال ۱۹۵۲ و تصرف بخشی از خاک این کشور به همین منظور با مقاومت عمانی ها با شکست مواجه شد. هم ایران می داند نقش یمن در منطقه و به ویژه تنگه باب المندب چیست و هم عربستان و قدرت‌های جهانی. بنابراین تسلط انصارا... بر یمن به ویژه تنگه باب المندب به منزله محاصره عربستان در حیطه قدرت جریان مقاومت است. همان چیزی که عربستان از آن می ترسید و به منظور غلبه بر ضعف ژئوپولیتیکی خود، به یمن حمله کرد.حالا نیز عربستان خیلی دیر متوجه تنگ شدن حلقه محاصره اش شده است و می توان گفت به تمامی چموش بازی های این کشور علیه جریان مقاومت پاسخ داده شده و این کشور به رغم تکیه بر بزرگ ترین قدرت های نظامی, سیاسی و اقتصادی جهان، دستاورد قابل قبولی نداشته و نخواهد داشت. گسترش دامنه جنگ یمن با حمایت اروپایی ها در حمله به الحدیده با هدف جداسازی بخش‌های غربی یمن (تسلط بر تنگه استراتژیک باب المندب) در همین راستا ارزیابی می شود. اما شاید حامیان غربی عربستان کمتر تصور می کردند که انصارا... توانایی های بالقوه‌ای دارد که تاکنون مورد استفاده قرار نداده است.بنابراین استفاده انصارا... از پهپادهای نظامی و هدف قرار دادن تاسیسات نفتی آرامکوی عربستان ، فرودگاه ابوظبی و ناو جنگی عربستان در دریا هشداری است به ائتلاف سعودی مبنی براین که ورق جنگ علیه یمن برگشته و غرب آسیا باید آماده دریافت پاسخ های غیرقابل باوری باشد.

**پشت صحنه حمایت از پیام‌رسان‌ها/ از تلگرام در عمل، از داخلی‌ها در حرف!**

****

دولت همواره تب بالایی در جانبداری از تلگرام داشته است. این روند هنوز هم با پشتیبانی زیرساختی از هاتگرام و تلگرام طلایی یا همان پوسته‌های غیرقانونی که فیلترشکن تلگرام است، ادامه دارد. زنگ فیلترینگ تلگرام هرگاه به صدا در می‌آمد، دولت ژست منتقد گرفته و تمام قد در هواداری آن برمی‌خاست؛ به ویژه آنکه این طرفداری‌ها و فضاسازیِ رسانه‌های مدعی اصلاح‌طلبی براساس آن، نقش بمب صوتی و نارنجک دودزا را هم در آشفتگی‌های ارزی بازی می‌کرد.. اطلاعات 40 میلیون کاربر ایرانی پردازش می‌شد و داده‌های حجیم به وجود می‌آمد و به این ترتیب تلگرام به علایق و الگوهای رفتاری مردم دست می‌یافت و آنها را به دشمنان می‌فروخت. علیرغم آسیب‌های متعدد تلگرام در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و فرهنگی، توان داخلی گسترده در زمینه شبکه‌های اجتماعی و فیلترینگ قضایی تلگرام، حمایت دولت از پوسته‌های غیرقانونی این پیام رسان، سایه ابهامات را سنگین کرده است. آیا چتر حمایت دولت روی تلگرام و هاتگرام

 و تلگرام طلایی ابزار پیشبرد اهداف سیاسی قرار گرفته است؟ مقاطع مختلف فعالیت این پیام رسان، پیش از فیلترینگ و پس از آن، سنگ محک جدی برای آزمودنِ اهتمام دولت به توان داخلی نبوده است؟ اولویت دولت منافع ملی و پیشرفت کشور است یا مصالح حزبی؟ دود حساسیت خاص دولت روی تلگرام جز در چشم منافع ملی و مصالح کشور می‌رود؟ در مدتی که تلگرام فیلتر شد پیام رسان‌های داخلی رونق گرفتند تا جایی که تعداد اعضای آنها به بیش از ده میلیون نفر هم رسید اما رویه غلط دولت، فعالیت آنها را تحت‌الشعاع قرار داد. دولت تا کی می‌خواهد اجازه تاختن به اسب سرکش تلگرام بدهد؟ و بالاخره یک سوال ساده؛ چرا آمریکایی‌ها این‌قدر نگران ادامه فعالیت بدون محدودیت و نظارت تلگرام در ایران هستند و می‌خواهند به هر قیمتی این فعالیت ادامه یابد؟ تلگرام کجای پازل بزرگ آمریکایی‌هاست؟

